

عملکرد و مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی در نظام حقوقی ایران

فائقه علیائی طیبی شاهی^۱، احسان کامرانی^۲

^۱ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (مسؤل مکاتبات)

چکیده

امر حفاظت و بهسازی محیط زیست و مقابله با بحران های محیط زیستی به یکی از مهم ترین مسایل در اداره امور کشورها تبدیل شده است و مسایل محیط زیستی در دستور کار اغلب دولت های جهان در سطح داخلی و بین المللی قرار دارد از این رو اسناد، معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی و نیز قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورهای جهان ضمن شناسایی، تضمین و پاسداری از محیط زیست بر لزوم اقدامات لازم و کافی در خصوص رعایت و تضمین حق محیط زیست سالم تاکید داشته اند. نظام جمهوری اسلامی ایران از این امر مستثنا نمی باشد. به گونه ای که علاوه بر اصل پنجاهم قانون اساسی، قوانین و مقررات موضوعه متعددی در جهت تضمین حق محیط زیست سالم و پاک به تصویب رسیده است. ضمن اینکه در این راستا نسبت به تاسیس سازمانی اختصاصی تحت عنوان سازمان محیط زیست اقدام نموده است. تحقیق حاضر با هدف عملکرد و مسولیت ناشی از خسارات زیست محیطی در نظام حقوقی ایران به صورت توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفت است. این مقاله ضمن تحلیل، ارزیابی و بررسی قوانین و مقررات و روبه های قضایی و اجرایی موجود در خصوص جایگاه، عملکرد و اختیارات محیط زیست در نظام جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: محیط زیست، قوانین زیست محیطی ایران، جرایم زیست محیط.

مقدمه

برخی از نویسندگان محیط زیست را منشاء ورود خسارت به انسان داشته اند در مقابل عده ای از حقوق دانان خسارت به خود محیط زیست را صرفه نظر از بازتابهای آن مسئله دانسته اند.

خسارت زیست محیطی عبارت است از خساراتی که به اشخاص و یا اشیاء محیط پیرامون زندگی انسان وارد می شود بنابراین تعریف محیط زیست مورد الهام گرفته شده است. زیرا بر اساس آن نظریه، محیط زیست منبع خسارت است و قربانی آن به شمار نمی رود زیرا تعامل می تواند خسارت به اشیاء و پدیده های زیست محیطی را در تعریف خسارت زیست محیطی آورد. خسارت زیست محیطی عبارت است از خساراتی که بطور مستقیم به محیط پیرامون وارد می شود بدون توجه به بازتاب هایی که این خسارتها بر اشیاء و اموال دارد.

بدنبال انتقادی که از کمیسیون اروپا شد در دستور العمل، از خسارت زیست محیطی و جبران آن است. و تاثیری بر جبران خسارتها سنتی ندارد، بنابراین از دیدگاه دستوالعمل؛ خسارتها جسمانی و خسارت وارد بر اموال قابل مطالبه نیست و در این خصوص قواعد مسئولیت مدنی داخل کشورها اعمال خواهد شد.

بنابراین اولین عنصر مهم شکل گیری هر نوع مسئولیت به ویژه مسئولیت زیست محیطی ورود زیان می باشد تا خسارتی بر زیان دارد نباید موضوع جبران خسارت و مسئولیت زیست محیطی مطرح گردد در عرصه محیط زیست نیز همچون سایر حوزه های مهم حقوقی سه نوع مسئولیت مهم و عمده مورد شناسایی می باشد.

نخست مسئولیت مدنی، دوم مسئولیت کیفری و سوم مسئولیت اداری و انتظامی در مسئولیت حقوقی جمهوری اسلامی ایران همچون نظامهای حقوقی دیگر موضوع مسئولیتهای سه گانه تا حدودی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. در این راستا ابتدا مسئولیت مدنی را مورد طرح و بررسی قرار می دهیم

همان طوری که گفته شد در حوزه محیط زیست ابتدا باید خسارت و ضرری وارد شود که به عنوان مفهوم مسئولیت مدنی می باشد پس از ورود خسارت وجود رابطه علیت و نیز جبران خسارت مطرح می گردد که به جهت اختصار صرفاً خلاصه ای از مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران مورد عنایت قرار می گیرد. وجه ایجابی آن نیز عبارت از این است که دولت ها موظف به حفاظت از محیط زیست هستند. دوم حوزه مسئولیت دولت، مسئولیت کیفری می باشد که یکی از جهات اصل در رعایت حقوق شهروندان عادی و نیز اشخاص حقوقی غیر دولتی و خصوصی همین موضوع کیفری بوده است اما هنوز در رویه های قضایی و قانونی ایرانی بطور جامع و منسجم موضوع حق دادخواهی در حوزه مسائل خرد و کلان زیست محیطی چه برای قوانین عادی و چه نهادها و سازمانهای مردم مورد شناسایی قرار نگرفته است هرچند این به معنای نادیده گرفتن پاره ای از آرای قضایی خوب و عرصه شناسایی حق دادخواهی زیست محیطی نمی باشد.

آخرین حوزه مسولیت دولت، اداری و انتظامی می باشد که به جهت اختصار به ذکر این اکتفا می نمایم که این ضمانت ها به اشکال و اقسام گوناگون وجود دارند در واقع کلیه فعالیت هایی که یک اداره یا نهاد و سازمانهای دولتی و عمومی در آن واجد نقش آفرینی می باشند، مانند صدور مجوز با فعالیت تکالیف به اعلام یا کسب موافقت قبلی، را در بر می گیرد که به جهت اختصار بایستی گفت قوانین و مقررات اداری مربوطه در این خصوص چندان شفاف و جامع نمی باشند.

تعریف و جایگاه سازمان حفاظت محیط زیست در قوانین

سازمانی دولتی است که بر امور مربوط به حفظ محیط زیست ایران نظارت دارد. سازمان حفاظت محیط زیست، متولی مستقیم امر محیط زیست در ایران است. مهم ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور

است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، می‌داند.^۱

اگر چه محیط زیست دارای قدمتی بس طولانی است، اما توجه به مفهوم و کاربرد علمی آن محدود به چند دهه اخیر می‌باشد، به طوری که این واژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی که همزمان با افزایش آلودگی‌ها و تخریب منابع طبیعی بوده، رایج و معمول گشت. رنه ماهو محیط زیست را این گونه تعریف می‌کند محیط زیست همه چیز یا تقریباً همه چیز را در بر می‌گیرد، هم انسان، هم طبیعت و هم روابط بین این دو را شامل می‌شود و بر کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر دارد و ضمناً از آنها متأثر می‌شود.^۲

لازم به ذکر است که، در قوانین و مقررات جاری کشور هیچ تعریفی از واژه محیط زیست به عمل نیامده، ولی حقوقدانان در متون حقوقی در برخی از موارد با استنباط از عباراتی که در قانون بکار رفته است، تعاریفی را مد نظر داشته‌اند، کما اینکه تلقی یکی از حقوقدانان محیط زیست با توجه به احکامی که در قوانین و مقررات به چشم می‌خورد. چنین بیان کرده است: محیط زیست عبارتست از یک ساختار منسجم و سازگاری که در آن همه عوامل و شرایط محیطی در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند.^۳

ابهام در تعریف تفسیر ماهوی مربوط به معنای قانونی محیط زیست اشکالاتی را به وجود آورده؛ چرا که هیچ متن حقوقی محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف نکرده است، بلکه در همه تعاریف تنها از سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن گفته‌اند و حقوق و تکالیف را حول آن محورها بیان کرده‌اند. به طور مثال می‌توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره کرد.

شاید بتوان محیط زیست را کل منابع طبیعی تجدیدشونده شامل جنگل‌ها، مراتع، منابع آبی و... تعریف کرد که شامل طیف وسیع و گسترده‌ای از تعاریف تخصصی مربوطه به این حوزه می‌شود؛ از سوی دیگر هر گاه ما از محیط زیست صحبت می‌کنیم در واقع تأثیرهای آن بر نوع بشر را در نظر داریم.

تعریف لغوی محیط زیست

اصطلاح محیط زیست خود از دو کلمه (محیط) و (زیست) ترکیب یافته است. این دو واژه در فرهنگ‌های مختلف داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است. در برخی از این کتب به خصوص آن‌هایی که در دهه‌های گذشته تدوین شده‌اند کلمه (محیط) مترادف اصطلاح محیط زیست قلمداد شده است.^۴

واژه محیط به معنای آنچه احاطه می‌کند، احاطه اشیاء یا موقعیت یا ناحیه، عمل احاطه کردن و نتیجه این عمل جمع کلیه شرایط خارجی و اثر آن در زندگی و توسعه موجودات، فراگرفتن، نفوذ کردن و تحت نفوذ قرار دادن است.

در مورد زیست گفته شده است که به معنای چیزی است که یک شخص برای زنده ماندن خود نیاز به آن دارد. تهیه کردن غذای کافی یا پول کافی برای زنده نگهداشتن خود، حیات، زندگانی، امرار معاش و... تعابیری هستند که از زیست در فرهنگ‌های لغت مختلف بیان شده است. بنابراین می‌توان گفت محیط زیست از نظر لغوی به معنای محلی که آدمی را احاطه کرده است و نیز قلمرو و حیات و زندگی است.^۵

^۱ دبیری، فرهاد؛ عباسپور، مجید؛ مکنون، رضا؛ آزاد بخت، بیتا (۱۳۸۸). جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه‌ای پس از انقلاب در ایران، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۶، ص ۱۲.

^۲ دانشگاه هاروارد (۱۳۸۰) حقوق بین الملل محیط زیست. ترجمه: سید فضل الله موسوی. تهران: نشر میزان، ص ۷

^۳ سازمان محیط زیست (۱۳۸۳) مجموعه مقالات اولین همایش حقوق محیط زیست ایران. تهران: نشر برگ زیتون، ص ۲۲

^۴ یآوری، علی (۱۳۸۹) محیط زیست و مدیریت شهری، کتاب سبز، شماره ۱۱، ص ۷۵

^۵ بوتکین، دی (۱۳۸۹) مسایل محیط زیست ترجمه یونس کریم پور، جهاد دانشگاهی ارومیه، چاپ اول، ص ۱۰

محیط زیست در قوانین و مقررات

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسأله محیط زیست مورد غفلت قرار نگرفت و حفظ در اصل «وظیفه عمومی» محیط زیست به عنوان یک نجاهم مطرح شد. بدین ترتیب حفظ محیط زیست به عنوان یک ارزش مبتنی بر قانونی اساسی باید مورد توجه حکومت قرار گیرد همان گونه که به موجب بند ۹ ماده ۱۳۵ قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۳/۷/۲۵) و نیز بند (ط) ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶/۷/۸) حفاظت محیط زیست یکی از وظایف حاکمیتی دولت محسوب شده است.

با وجود تصویب قوانین و مقررات متعدد و تأسیس و فعالیت سازمان حفاظت محیط زیست، تخریب محیط زیست و بحرانهای ناشی از آن، یکی از معضلات عمده ایران به ویژه در سالهای اخیر محسوب می شود. الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی و ویژگی جغرافیایی طبیعی و سیاسی ایران، مشکلات محیط زیستی متعددی را ایجاد کرده اند که در درجه اول پایداری و تجدیدپذیری محیط زیست را به مخاطره افکنده، در درجه دوم سلامت انسانها را با تهدید روبه رو ساخته و آنگاه در نهایت، روند توسعه عمومی کشور را کاهش داده است. توجه به آمارها و گزارشهای رسمی و غیر رسمی که از وضعیت محیط زیست ایران ارائه می شود و هم چنین مشاهدات عینی روزمره، وضعیت مطلوبی را به نمایش نمی گذارد.

ایران از لحاظ پایداری محیط زیستی در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در میان ۱۲۲ کشور جهان و در سال ۲۰۰۵ در میان ۱۴۶ کشور به ترتیب رتبه ۱۰۵، ۱۰۴ و ۱۳۲ را کسب کرده است.^۶

ایران در سال ۲۰۰۶ در میان ۱۳۳ کشور رتبه ۱۱۷ را از لحاظ آلودگی هوا، رتبه ۹۹ را از لحاظ دسترسی به آب سالم و رتبه ۱۱۷ را از لحاظ مصرف پایدار انرژی کسب کرد. این در حالی است که از لحاظ منابع طبیعی و تنوع زیستی، ایران رتبه ۴۵ را در میان این کشورها داشته است.^۷

بند اول: حفظ طبیعت، وظیفه اخلاقی

اخلاق محیط زیست به رابطه اخلاقی بین نوع بشر با طبیعت اطراف خود مربوط است. درک ماهیت حق بر محیط زیست منوط به تعیین جایگاه آن میان مجموعه ای حقوق بشر می باشد در واقع در این خصوص این موضوع مطرح می باشد که چه افراد و اشخاص به عنوان ذینفع در حوزه حق بر محیط زیست به حساب می آیند. در این راستا عده ای صاحب واقعی حق بر محیط زیست سالم را انسان بر شمرده اند و گروهی دیگر صاحبان حق بر محیط زیست را جامعه و دولت می دانند و فرهنگ ایرانی - اسلامی ما در لزوم توجه به طبیعت، توصیه های موکدی دارد. در سطح جهانی نیز بعد از انقلاب صنعتی و بدنبال آگاهی بشر از تاثیرات فناوری، صنعت، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت بر روی محیط زیست، توجه بیشتری به مقوله حفاظت از محیط پیرامون شد. همه نسبت به آینده سیاهی که در پی تخریب محیط پیرامون در کمین آدمی است، هشدار دادند. دو کتاب بهار خاموش و بمب جمعیت، بدنبال توجه گسترده به مسایل محیط زیست در دهه ۶۰ میلادی به نگارش درآمدند که با استقبال زیادی مواجه شدند. باید گفت که اخلاق زیست محیطی، حال نگر و آینده نگر است. چرا که علاوه بر امروز، نسل های فردا را نیز مورد توجه قرار می دهد. این همان موضوعی است که اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تاکید می کند. این اصل مقرر می کند: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»^۸

در حوزه اخلاق محیط زیست، گزاره های اخلاقی در حمایت از محیط زیست بیان می شود که وجدان بیدار، خود را ملتزم به رعایت آنها می کند. آنچه در این حوزه بیان می شود، از جنس حسن و قبح است. اما از آنجا که ضمانت اجرای خارجی و

^۶ Environmental Sustainability Index , 2005

^۷ Pilot Environmental Performance Index , 2006

^۸ مخدوم، مجید، ۱۳۸۹، زیستن در محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱

ملموسی برای آنها وجود ندارد، نمی‌تواند حامی تمام عیاری برای طبیعت باشد. درست همین جاست که پای حقوق به میان می‌آید. قانون برای حمایت از محیط زیست شروع به وضع بایدها و نبایدهایی می‌کند و نهادهایی را برای نظارت بر اجرای این تکالیف و حقوق پیش‌بینی می‌کند و از سوی دیگر با پیش‌بینی مکانیزم‌های بازدارنده‌ای که اغلب از جنس مجازات هستند، سعی می‌کند اجرای کامل آن را تضمین کند. بدین ترتیب بسیاری از گزاره‌های اخلاقی شکل باید و نباید می‌گیرد و لباس قانون به تن می‌کند و نقش جدی‌تری برای حفاظت از زیست‌بوم آدمی بازی می‌کند.

بند دوم: حفظ طبیعت و حقوق

قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات فراوانی به تصویب مقنن رسیده تا محیط زیست را از تخریب محافظت کند. اغلب این قوانین، اقدام به جرم‌انگاری فعالیت‌های مخرب محیط زیست کرده‌اند و مفهومی به نام «جرایم زیست محیطی» را ایجاد کرده‌اند. در تعریف چنین جرایمی، آورده‌اند که جرایمی هستند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شوند.

درک ماهیت حق بر محیط زیست منوط به تعیین جایگاه آن در میان مجموعه ای حقوق بشر می‌باشد. در واقع در این خصوص این موضوع مطرح می‌باشد که چه افراد و اشخاص به عنوان ذینفع در حوزه حق بر محیط زیست به حساب می‌آید.

در حوزه محیط زیست نیز موضوع ضمانت اجرا مطرح گردیده است چرا که صرف وجود قوانین و مقررات موضوعی نمی‌تواند تکافی مشکلات و چالش‌های زیست محیطی باشد. بلکه بایستی ضمانت اجراهای مختلف و متنوع وجود داشته باشد که فرد با افراد خاصی در حوزه محیط زیستی به خود اجازه دهد از وضع قوانین و مقررات برمی‌آید، نشان دهد که حقوق برای حفظ طبیعت عزم خود را جزم کرده، وحجم وسیعی از قوانین در این رابطه تصویب شده و از سوی دیگر، رشته حقوق محیط‌زیست هم در سطح کارشناسی ارشد راه‌اندازی شده تا مشکل کمبود نیروی انسانی متخصص در این حوزه را برطرف کند. اما واقعیات نشان می‌دهد که هنوز کشور ما جایگاه قابل قبولی در حفاظت از زیست بوم در سطح جهانی ندارد.^۹

بند سوم: آموزش محیط زیست

هدف از آموزش محیط زیست آگاهی دادن به افراد در زمینه حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب بیشتر آن است به طوری که شخص ارزش‌های محیط را درک کند و در حراست آن بکوشد برای نیل به اهداف آموزش، متخصصان محیط زیست باید دانش، مهارت‌ها و دیدگاه‌ها و نظرهای خود را برای آموزش محیط زیست موثر است و منجر به حفظ طبیعت یا جلوگیری از تخریب‌های ایجاد شده توسط گروه‌های منفعت طلب و ناآگاه می‌شود، و رایگان در اختیار و افکار عمومی قرار دهند تا همه افراد بتوانند در مورد مسایل و مشکلات زیست محیطی اطلاعات کافی داشته باشند و برای حفظ و جلوگیری از گسترش تخریب‌های آن اقدام کنند. آموزش یکی از ارکان حفاظت از محیط زیست است در آموزش امکان فراهم آمدن شناخت محیط زیست و علل تخریب آن به همراه علت لزوم حفاظت از آن بیان می‌شود به طوری که همگان در ارتباط صحیح با طبیعت و استفاده صحیح از آن جهت گماردن و تنها سازمان خاصی را مسئول حفاظت از آن بدانند.^{۱۰}

حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، حق آموزشی مسائل زیست محیطی، حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیست محیطی و حق دادرسی و جبران خسارت زیست محیطی و حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، شرط لازم برای تحقق حق افراد، برای مشارکت به اتخاذ تصمیمات زیست محیطی است؛ زیرا آگاهی یافتن از آثار و پیامدهای عواملی که بر محیط

^۹ تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۹) حقوق محیط زیست. تهران: نشر سمت، ص ۳۴

^{۱۰} فرهاد، دبیری و عارف، ناوان، " رسانه ها و توسعه حقوق محیط زیست"، سال ششم، شماره سیزدهم، نشریه مطالعات رسانه ای، ۱۳۹۰، ص ۷۳.

زیست تاثیر گذارند، وابسته به دسترسی افراد به اطلاعات زیست محیطی است. پس از این مرحله است که افراد با آگاهی کامل می توانند در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشند.

بحث دیگری که در چهارچوب حق بهره مندی از محیط زیست می باشد، حق آموزش به مسائل زیست محیطی است. این وظیفه دولت هاست که نسبت به آموزش محیط زیست به افراد جامعه اقدام کند، این عمل می تواند از طریق مدارس، کتاب های آموزشی و رسانه های عمومی انجام پذیرد.

بند چهارم: متولیان محیط زیست

سازمان حفاظت محیط زیست، متولی مستقیم امر محیط زیست در ایران است. مهم ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می شود، می داند.

در کنار سازمان های دولتی، سازمان های خودجوش غیر دولتی به وجود آمده اند که در حفظ محیط زیست تلاش می کنند، از جمله NGO های زیست محیطی، رشد کمی خوبی داشته اند. اما رشد کیفی این تشکلهای نتوانسته است چون رشد کمی آنها منحنی رو به بالایی داشته باشد که باید مورد بررسی قرار گیرد. عدم وابستگی به بودجه دولتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توانمند سازی سازمان های مردم نهاد، دادن آزادی عمل به آنها برای فعالیت های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و به رسمیت شناختن سازمان های مردم نهاد به عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی، می تواند تشکلهای زیست محیطی را به مهم ترین اهرم های اجرایی در رفع مشکلات زیست محیطی جامعه بدل کند. این سازمان های مردم نهاد، برای فعالیت می توانند در سازمان محیط زیست یا وزارت کشور یا سازمان ملی جوانان به ثبت برسند.^{۱۱}

بند پنجم: حمایت از محیط زیست

در کنار سازمان های دولتی و غیردولتی حامی محیط زیست، باید از قوانینی یاد کرد که محتوا و روش حمایت از محیط زیست را نشان می دهند. حوزه های مختلف محیط زیست، صاحب قانون شده نقلیه فاقد گواهینامه مذکور، به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می شود، جلوگیری خواهد شد. وسایل نقلیه موتوری که از استانداردهای لازم برخوردار نباشند، شماره گذاری نخواهند شد. یکی از دلایلی که دامن پیکان را گرفت و موجب خروج این محصول از چرخه تولید ایران خودرو شد، همین ایراد آلاینده بود.^{۱۲}

تاریخچه تشکیل سازمان و شورای عالی محیط زیست

پس از اختراع تفنگ و عمومیت یافتن استفاده از آن در جهان، کشتار جمعی و بی رحمانه حیوانات آغاز و خطر انهدام و برافتادن نسل بسیاری از آنها بروز کرد. این سیر تحول در ایران با وجودی که تفنگ از اوایل حکومت صفویه وارد کشور شد و به تدریج مورد استفاده شکارچیان قرار گرفت، به کندی انجام می شد. لیکن در کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر، تخریب محیط طبیعی طی نسل گذشته به نحوی نمایان تسریع یافت و در نتیجه جانوران و سایر منابع، مورد بهره برداری بی رویه قرار گرفتند. سرانجام در سال ۱۳۳۵ «کانون شکار ایران» به عنوان دستگاهی مستقل برای حفظ نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوط به آن تشکیل گردید.

در سال ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، با تصویب قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۲/۱۶ جایگزین کانون شکار ایران شد. بر اساس قانون اخیر، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، مرکب از وزیران کشاورزی، کشور، دارایی، جنگ و شش نفر

^{۱۱} همان، ص ۳۵

^{۱۲} اسعدی، محمد (۱۳۸۷) جرائم علیه محیط زیست، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۱، بهار ۸۷، ص ۵

از اشخاص با صلاحیت قرار داشت. ولی از جهت تشکیلات دولتی به موجب ماده ۳۱ قانون مذکور وزارت کشاورزی مسئولیت پاسخگویی اقدامات سازمان در هیأت دولت را عهده دار بود. در تاریخ ۱۳۴۶ با تصویب قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی، اختیارات وزیر کشاورزی مندرج در قانون شکار و صید به وزیر منابع طبیعی محول گردید.^{۱۳}

قانون شکار و صید مشتمل بر ۳۱ ماده بود و براساس ماده ۶ آن وظایف سازمان شکاربانی و نظارت بر صید از محدوده نظارت و اجرای مقررات ناظر بر شکار فراتر رفته و امور تحقیقاتی و مطالعاتی مربوط به حیات وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه آنها و تعیین مناطقی به عنوان پارک وحش و بالاخره موزه های جانورشناسی را نیز در بر گرفت. در سال ۱۳۵۰ بر اساس ماده ۴ قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی، نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به «سازمان حفاظت محیط زیست» و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به «شورای عالی حفاظت محیط زیست» تبدیل شد و امور زیست محیطی از جمله پیشگیری و اقدامات زیانبار برای تعادل و تناسب محیط زیست نیز به اختیارات قبلی آن افزوده شد.

در تاریخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ به دنبال برپایی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۲۱ ماده، این سازمان از اختیارات قانونی تازه ای برخوردار شد و از نظر تشکیلاتی نیز تا اندازه ای از ابعاد و کیفیت سازگار با ضرورت های برنامه های رشد و توسعه برخوردار گردید. بر اساس این قانون سازمان، وابسته به نخست وزیر و زیر نظر «شورای عالی حفاظت محیط زیست» عمل می کرد که متشکل از ۹ وزیر و ۵ نفر از اشخاص با صلاحیت بود. مفاد این قانون هنوز معتبر و لازم الاجرا است.

مهمترین تحول در زمینه تقویت مقررات و تضمین اقدامات زیست محیطی پس از انقلاب اسلامی، تصویب اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد. در حقیقت با اختصاص یک اصل از اصول قانون اساسی به امر حفاظت محیط زیست بر ضرورت و اعتبار اجرای مقررات مربوط به محیط زیست تأکید شده است. شورای انقلاب اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۱ لایحه اصلاح ماده ۳۱ الحاقی به قانون شکار و صید را تصویب نمود

که به موجب آن، مستخدمین سازمان از لحاظ کلیه امور استخدامی، مشمول قانون استخدام کشوری شدند.^{۱۴}

پس از حذف پست نخست وزیر در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ و بر اساس اصلاحیه قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در سال ۱۳۷۱ و تغییر ترکیب اعضای شورای عالی محیط زیست، ریاست شورای عالی بر عهده رئیس محترم جمهور قرار گرفته است و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نیز عنوان معاون رئیس جمهور را عهده دار می باشد.

در تاریخ ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۵۰ قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی بتصویب رسید که در ماده ۴ این قانون بیان میدارد از تاریخ تصویب این قانون نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به سازمان حفاظت محیط زیست و همچنین نام شورای عالی سازمان مزبور به شورای عالی حفاظت محیط زیست تبدیل می شود. کلیه امور مربوط به حیوانات وحشی و آبزیان رودخانه ها و آبهای داخلی و حفظ محیط زیست به سازمان حفاظت محیط زیست محول می شود.

در حاشیه مسائل و مشکلات گریبانگیر محیط زیست در جامعه، آنچه که بیشتر ملموس و مشهود مینمود تخریب زیستگاه و کاهش تنوع زیستی و بالاخص حیات وحش بود که جهانیان را مجبور به وضع قوانین و مقررات سختگیرانه در مقابل صدمه به

^{۱۳} لطفی، هادی؛ لطفی، مریم(۱۳۹۴)، بررسی شرح وظایف شورای عالی حفاظت محیط زیست، مقاله همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست

پاک، ص ۴

^{۱۴} لطفی، هادی؛ لطفی، مریم(۱۳۹۴)، بررسی شرح وظایف شورای عالی حفاظت محیط زیست، مقاله همایش ملی گردشگری، جغرافیا و

محیط زیست پاک، ص ۴

محیط زیست نمود. شاید این موضوع را در کشورمان بتوان با منقرض شدن دو گونه شاخص مانند ببر ایرانی و شیر ایرانی در سالهای نه چندان دور بیان کرد که جای بسیار تعمق و تفکر دارد. پس از برپایی کنفرانس جهانی محیط زیست در استکهلم و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در ۲۱ ماده، سازمان از اختیارات قانونی تازه‌ای برخوردار شد و از نظر تشکیلاتی نیز تا اندازه‌ای از ابعاد و کیفیت سازگار با ضرورت‌های برنامه‌های رشد و توسعه برخوردار گردید.

فعالیت سازمان حفاظت محیط زیست در عرصه بین‌المللی ادامه یافت بنحوی که در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۵۵ قانون الحاق ایران به کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی قرار دارند توسط مجلس شورای ملی بتصویب رسید و ایران و اعضاء کنوانسیون متعهد گردیدند. با شناخت آنکه حیوانات و گیاهان وحشی با گونه‌های متنوع و زیبای خود جزء غیر قابل‌جانشینی از سیستمهای مختلف طبیعی کره زمین را تشکیل میدهند که بایستی برای نسل حاضر و نسلهای آینده حفظ و نگهداری گردند و با آگاهی بالارزش روزافزون حیوانات و گیاهان وحشی از جنبه‌های زیبایی، علمی، فرهنگی، هنری، تفریحی و اقتصادی و با شناخت آنکه افراد و دول بایستی بهترین محافظان گیاهان و جانوران وحشی خود باشند و بعلاوه با شناخت این اصل که همکاری بین‌المللی برای حفظ بعضی از گونه‌های گیاهان و حیوانات وحشی علیه بهره‌برداری بی‌رویه از طریق تجارت بین‌المللی امری حیاتی و لازم میباشد اقدامات مناسبی بدین منظور انجام دهند. این کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۲۵ ماده و سه ضمیمه بوده که در ۱۲ اسفند ۱۳۵۱ تشکیل گردید^{۱۵}.

جرایم زیست محیطی

بطور کلی جرایم زیست محیطی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم بندی می‌نمایند:

الف) جرایم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان شامل کلیه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود بر طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست پیشگیری و ممانعت از هر آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود. همچنین کلیه امور مربوط به جانداران وحشی و آبریزان آبهای داخلی می‌باشد و بر طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون تخریب جنگلها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث برهم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنا بر این عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

ب) جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگیهای شیمیایی.

تعریف جرم زیست محیطی

جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شود.

حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تاثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است.

در حقیقت در حقوق محیط زیست از یک سری نوآوری بدیع سود جسته و به همین سبب خود را عندالزوم با تکنیک‌های جدید تطبیق می‌دهد و قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استاندارد های خاص بیان می‌گردد.

با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان‌کننده کلیه فعالیتها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان می‌باشد این نتیجه حاصل می‌گردد که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام

^{۱۵} حسینی، محمد رضا (۱۳۹۰) مروری بر تاریخچه و روند شکل‌گیری سازمان حفاظت محیط‌زیست، فصلنامه حقوقی، شماره ۱۵، ص ۸

رشته های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمتهای حقوقی وارد کند را نیز در بر می گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزئی یا کلی شامل بخشهای متعدد از مقرراتی می شود که یا با ملاکها و محک های تاسیس و یا بامحک های مادی و تعریف محیط زیست تاکید دارند.

در قانون برنامه اول توسعه جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ گردیده. بطوریکه یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و گارگاههای کشور به امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرف آن در موارد معین تکرار گردید.

قانون مجازات اسلامی و مسایل زیست محیطی

با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط می باشند. در این راستا و قوانین ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارد که قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع مواردی از قانون مجازات اسلامی مانند: ۶۷۹، ۶۷۵، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹ را به این مهم اختصاص داده است. نتایج بررسی های چند ساله اخیر حاکی از آن می باشد که اغلب دعاوی مطرح شده است از طرف ادارات کل حفاظت محیط زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی آلاینده به چرخه محیط زیست وارد می سازند به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می باشد.

ابعاد موضوعی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی

۱. عنصر مادی این جرم: اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که به روش ذکر شده در متن این ماده و راههای مشابه محقق می شود. راههای مذکور در ذیل مفاد تبصره یک جنبه تمثیلی داشته بنابراین هر گونه اقدام دیگری نیز به تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست، بهداشت عمومی را تهدید نماید و یا محیط زیست را آلوده نماید مشمول این ماده خواهد بود.

در تبصره (۲) ماده مذکور اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست بصورت کلی تبیین و آنرا در حیطة چهار عنصر آب و هوا، خاک و زمین محاط نموده است.

با نگاه اول به مفاد تبصره یک ماده ۶۸۸ ممکن است این نتیجه حاصل گردد که اعلام مجرم موضوع این ماده فقط در صلاحیت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست می باشد.

۲. اما با توجه به این که جرم مذکور بر اساس مفاد ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از آن دسته جرایم غیر قابل گذشت می باشد و حتی در اغلب موارد اشخاص دیگری اعم حقیقی و یا حقوقی از این جرم متضرر می شوند بنابراین اعلام جرم و تعقیب آن از سوی سایر اشخاص نیز ممکن است. همچنین مراجع مذکور به عنوان شاکی خصوصی که حق گذشت داشته باشند محسوب می شود.

۳. تشخیص اینکه اقدام انجام شده و تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست می باشد یا خیر بر اساس مفاد مندرج در ذیل این ماده از وظایف قانونی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست بوده ولی عمل انجام شده زمانی قابل تعقیب است که قبلا از سوی مراجع صدرالذکر تعیین و اعلام گردد و کارشناسان ذیصلاح وزارت و سازمان مذکور فقط عمل ارتكابی را با مقررات اعلام شده تطبیق بدهند اما اگر عملی بعنوان اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست تعیین نشده باشد و کسی مرتکب آن گردد و سپس کارشناسان مزبور در پاسخ استعلام مرجع قضایی آن را اقدام علیه بهداشت یا محیط زیست اعلام کند با اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها مغایرت پیدا می کند.

۴. احتمال ارتکاب جرایم مصرح در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی و خصوصی وجود دارد. بطور مثال اگر شهرداری به عنوان متولی جمع آوری و تخلیه زباله های شهری هر گونه اهمال یا سهل انگاری در موضوع نماید که منجر به آن شود که زباله ها جمع آوری نشود مشمول حکم این ماده خواهد بود.

ضمانت اجراهای محیط زیست

یکی از مهمترین موضوع های مرتبط با تحقیق حاضر بحث ضمانت های محیط زیستی می باشد که در ادامه بحث می گردد که پاره ای از مهمترین آن ها آشنا شویم. در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نمی باشد.^{۱۶}

اگر وسیله تجاوز به حق قرار داد باشد، قانون یکی از این وسایل را برای رفع تجاوز اجرا می کند

۱- بطلان

۲- عدم نفوذ

۳- قابلیت فسخ

الف- اجرای حق به طور مستقیم، اجرای مفاد حق اگر میسر شود، بهترین وسیله تضمین حق و رعایت قانون است.
ب- فشار بر قانون برای اجرای حق نیز بماند اجرا در علم حقوق به عنوان یکی از موضوعات مهم و بسیار کاربردی مطرح بوده و از جنبه ها و زوایایی خاصی به آن نگریسته شده است در حوزه محیط زیست نیز موضوع ضمانت اجرا مطرح گردیده است چرا که صرف وجود قوانین و مقررات موضوعی نمی تواند تکافوی مشکلات و چالش های زیست محیطی باشد، بلکه بایستی ضمانت اجرا های مختلف و متنوع وجود داشته باشد که زوایایی افراد خاصی در حوزه محیط زیستی به خود اجازه ندهد قوانین و مقررات زیست محیطی را نادیده بگیرد. به عبارت بهتر وجود نفوذ ضمانت اجرایی می تواند جنبه پیشگیرانه داشته، به گونه ای که متجاوزان احتمالی به محیط زیست را تحت فشار قرار دهد که در صورت ارتکاب به جرایم و یا تخلفات زیست محیطی و با پاسخ قاطع قانونگذار برخورد خواهد شد. اسناد متعددی در خصوص محیط زیست به تصویب رسیده است که این اسناد را می توان به دسته اسناد الزام آور و اسناد غیر الزام آور طبقه بندی نمود. از طرف دیگر شناسایی حقی برای انسان در زمینه محیط زیست تحت عنوان حق بر محیط زیست سالم، موضوعی است که طی دو دهه گذشته به طور روشن در اسناد متعددی در حوزه محیط زیست بیان گردیده است. اما اسنادی که مبین حق بر محیط زیست می باشند شامل اعلامیه استکهلم، پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق هم بستگی، منشور جهانی طبیعت اعلامیه ریو... هستند. که اگر چه بسیار مهم و پر ارزش تلقی می شوند با این وجود فاقد نظام و سازوکار الزام آور می باشند. خلاء مذکور از سوی پاره ای اسناد و معاهدات از بین رفته است (اولین سند منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۸۱ است. ماده ۲۴ این منشور اعلام می دارد: «کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع، مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند». دومین سند پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸ در سان سالوادور است که حاوی اصلی در زمینه حق بر محیط زیست است. در ماده ۱۱ این پروتکل، تحت عنوان حق بر محیط زیست سالم آمده است؛ «هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی بهره مند گردد، دولت های عضو معتمد می شوند که حراست، حفاظت و بهبود محیط زیست را ترجیح نمایند». شایان ذکر است که در برخی از اسناد دیگر حقوق بشر نیز به طور غیر مستقیم به این حق اشاره شده است. به عنوان مثال ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۸۰، دولت ها را موظف می نماید که برای حفاظت از سلامت کودکان، تدابیر لازم را خصوصاً با توجه به حوادث ناشی از آلودگی های محیط زیست اتخاذ نمایند. همچنین بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون سازمان بین المللی کار در خصوص قبایل و اقوام بومی در کشور های مستقل ۲۷ ژوئن ۱۹۸۹ نیز دولت های عضو را لزوم اتخاذ تدابیر ویژه برای

^{۱۶} جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق.

حفاظت از محیط زیست این اقوام می نماید. با این حال آن چه در شرایط حاضر بر محیط زیست برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل نیاز دارد، تایید قواعد مربوط به آن در یک سند الزام آور جهانی می باشد.... براساس حقوق بین الملل سنتی، دولت ها در قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیتی صلاحیتی انحصاری برخوردار بودند. حال آنکه حقوق بین الملل محیط زیست ماهیتا این اصول سنتی اش کشیده است، زیرا بر مبنای یافته های جدید، محیط زیست مرز نمی پذیرد و حیطه صلاحیت دولت ها را در می نوردد.

ضمانت اجرای قضایی بر حق محیط زیست

یکی دیگر از تکالیف و صلاحیت ها و وظایف مهم دولت ها در ارتباط با تضمین حقوق بشر و چهارچوب محیط زیست موضوع تضمین حق بر دادخواهی زیست محیطی به طور فراگیر می باشد و معقوله حق بر دادخواهی به خوبی بر می آید. این است که بیشتر در حوزه قضایی مطرح می باشد در حوزه موضوعات و مسایل زیست محیطی با یتی دامنه و قلمرو آن را به دادخواهی از نهاد ها و مراجع اداری نیز تسری داد. به

عبارت دیگر اهمیت و جایگاه خاص موضوعات زیست محیطی اقتضاء و به طور فراگیر، جامع و کامل حق بر دادخواهی در کلیه مراتب به رسمیت شناخته شود در واقع بایستی دادگاه های اختصاصی اداری همچون برخی از کشورهای پیشرفته به وجود آید که به صورت تخصصی به موضوع دعوی زیست محیطی رسیدگی نمایند. دولت های پیاپی برای بهبود رفاه عمومی، قوانین متعددی را وضع نموده اند. که ستودنی و بی تاثیر قانون گذاری

های بیشتر این است که اگر چه رضایت عمومی را ارتقاء می دهد ولی از سوی حقوق خصوصی افراد را هم محدود میسازد...به همین جهت بسیاری از دعوی موجود در جامعه بین شخص خصوصی که در جستجوی حفظ حقوق فردی خود می باشد و یک مقام یا وزیر دولتی است که به دعوی از سوی قانون اعطا شده تا قانون خاصی را در جهت توسعه رفاه اجتماعی را اجرا کنند...برخی از دلایلی که برای تشخیص دادگاه های اختصاصی اداری ارائه شده است، عبارتند از:

الف- دادگاه های قضایی اداری مشغل و فعالیت های زیاد هستند و سپردن فعالیت های قضایی بیشتر با آنها عدم بازدهی دادگاه های موصوف خواهد شد.

ب- هزینه دادرسی قضایی در محاکم دادگستری، بسیار سنگین است.

ج- دادگاه های قضایی بسیار کند هستند و دادرسیشان پیچیده است.

د- موضوعات مربوط به خدمات عمومی، در دادگاه های اختصاصی اداری محاکم قضایی قابل رسیدگی هستند. ه- تصمیمات مرتبط با خط مشی ها و سیاست گذاری های عمومی توسط یک مقام اداری بهتر حل و فصل می شود.

و- تصمیمات در دادگاه های اختصاصی اداری بسیار سریع و بدون تاخیر اتخاذ میشود.

ح- رسیدگی ارزان است

ط- جو غیر رسمی و آیین رسیدگی ساده و روشنی در دادگاه های اختصاصی اداری وجود دارد.

ث- قدرت تشخیص دادگاه های اختصاصی اداری وسیع و انعطاف پذیر است. زیرا که در زمینه موضوع دعوی تبحر و چیرگی دارند.

ی- دادگاه های اختصاصی اداری غالباً مملو از متخصصین و خبرگانی است که در زمینه موضوع دعوی تبحر و چیرگی دارند.

همان طور که از مفاد مطالب مذکور به خوبی برمی آید یکی از تکالیف و وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران توسعه حق بردادخواهی زیست محیطی در حوزه و قلمرو و اداری می باشد به گونه ای که گفت علاوه بر دسترسی به نهادهای قضایی امکان دسترسی به نهادها و سامان های اداری جهت شکایت موضوعات مرتبط با

تخریب و آسیب رسانی به محیط زیست را داشته باشند. به عبارت دیگر علاوه بر قضایی به معانی خاص کلمه نهادهایی همچون دیوان عدالت اداری و سایر نهادهای دیگر در شهروندان ایرانی بوده و امکان دادخواهی در آنها وجود داشته باشد. ظاهراً موضوع حمایت دادخواهی در دیوان عدالت اداری به رسمیت شناخته شده است

نتیجه گیری

با وجود توجه همگانی به مسائل محیط زیست و جبران خسارت های وارد بر آن، هنوز هم مشکلاتی بر سر راه جبران کامل زیان های وارده به محیط زیست وجود دارد. یکی از این مشکلات ارزیابی و تعیین مقدار خسارت واردآمده است که بسته به نوع آسیب، راهکارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن طرح دعوی جمعی برای آسیب های زیست محیطی در برخی کشورها پذیرفته نیست و طرفداران محیط زیست بسیاری مواقع در طرح دعوی زیست محیطی با مشکل اثبات سمت مواجه می شوند که این مسأله انگیزه آنها را برای مطالبه حقوق بنیادین خود تا حد چشمگیری کاهش می دهد. راهکارهای جبران خسارت های زیست محیطی نیز برای انواع خسارت یکسان نیست و گذشته از آن گاهی هیچکدام از راهکارها نمی تواند خسارت زیست محیطی را کاملاً جبران کند، ولی در مجموع تا حد امکان، بازسازی محیط زیست و اعاده وضع به حالت قبل از ورود خسارت می تواند بهترین تصمیم اخذشده از سوی مقامات قضایی باشد در مورد تشریفات دادرسی در دعاوی زیست محیطی علیه اقدامات دولت شایان ذکر است که هرگاه اشخاص حقوق خصوصی از جمله سازمان های غیردولتی زیست محیطی به طور مستقل به تصمیمات و اقدامات دولت که به آلودگی محیط زیست منجر شده است معترض باشند، دیوان عدالت اداری صالح برای رسیدگی است. البته تعیین مقدار خسارت بر عهده دادگاه های عمومی است. ولی هرگاه اشخاص حقوق خصوصی اعتراض خود را از طریق نهادهای دولتی صالح برای حمایت از محیط زیست (مثل سازمان محیط زیست) مطرح کنند، دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی دارد.

از جمله اصل پنجاهم قانون اساسی ایران مقرر می کند: در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. بدین ترتیب می توان گفت که عالی ترین قانون موجود در کشور، بر اهمیت حفاظت از محیط زیست تاکید کرده است و با کسانی که تهدیدی برای آن محسوب شوند برخورد می شود. در برخی از قوانین پراکنده، جرایم زیست محیطی پیش بینی شده است. و با وجود توجه همگانی به مسائل محیط زیست و جبران خسارت های وارد بر آن، هنوز هم مشکلاتی بر سر راه جبران کامل زیان های وارده به محیط زیست وجود دارد. یکی از این مشکلات ارزیابی و تعیین مقدار خسارت واردآمده است که بسته به نوع آسیب، راهکارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. هرگاه اشخاص حقوق خصوصی از جمله سازمان های غیردولتی زیست محیطی به طور مستقل به تصمیمات و اقدامات دولت که به آلودگی محیط زیست منجر شده است معترض باشند، دیوان عدالت اداری صالح برای رسیدگی است. البته تعیین مقدار خسارت بر عهده دادگاه های عمومی است. ولی هرگاه اشخاص حقوق خصوصی اعتراض خود را از طریق نهادهای دولتی صالح برای حمایت از محیط زیست (مثل سازمان محیط زیست) مطرح کنند، دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی دارد.

منابع:

۱. دبیری، فرهاد؛ عباسپور، مجید؛ مکنون، رضا؛ آزاد بخت، بیتا (۱۳۸۸). جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه ای پس از انقلاب در ایران، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۶.
۲. دانشگاه هاروارد (۱۳۸۰) حقوق بین الملل محیط زیست. ترجمه: سید فضل الله موسوی. تهران: نشر میزان
۳. سازمان محیط زیست (۱۳۸۳) مجموعه مقالات اولین همایش حقوق محیط زیست ایران. تهران: نشر برگ زیتون
۴. یآوری، علی (۱۳۸۹) محیط زیست و مدیریت شهری، کتاب سبز، شماره ۱۱، ص ۷۵
۵. بوتکین، دی (۱۳۸۹) مسایل محیط زیست ترجمه یونس کریم پور، جهاد دانشگاهی ارومیه، چاپ اول

۶. مخدوم، مجید، ۱۳۸۹، زیستن در محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران
۷. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۹) حقوق محیط زیست. تهران: نشر سمت
۸. فرهاد، دبیری و عارف، ناوان، " رسانه ها و توسعه حقوق محیط زیست " ، سال ششم، شماره سیزدهم، نشریه مطالعات رسانه ای، ۱۳۹۰
۹. اسعدی، محمد (۱۳۸۷) جرائم علیه محیط زیست، علوم و تکنولوژی محیط زیست ، دوره نهم، شماره ۱، بهار ۸۷
۱۰. لطفی، هادی؛ لطفی، مریم (۱۳۹۴)، بررسی شرح وظایف شورای عالی حفاظت محیط زیست، مقاله همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک
۱۱. حسینی، محمد رضا (۱۳۹۰) مروری بر تاریخچه و روند شکل گیری سازمان حفاظت محیط زیست، فصلنامه حقوقی ، شماره ۱۵
۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق.

The Performance and Responsibility Arising from Environmental Damage in the Iranian Legal System

Faegheh Olyaie Teibee Shahi¹, Ehsan Kamrani^{2*}

1. Department of law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

2. Department of law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. Corresponding Author

Abstract

The protection and improvement of the environment and coping with the environmental crises are among the most important issues in the administration of countries so that the governments all over the world have regarded the environmental issues as the most important issues in the national and international levels. Therefore, the international documents, treaties and conventions as well as the constitutions of many countries have tried to identify and protect the environment and have underlined the need to take the required measures to respect and guarantee the right of having a healthy environment. The Islamic Republic of Iran is no exception to this rule. In addition to the fifth Principle of the Constitution, there are many rules and regulations concerning the necessity to ensure the right to have a healthy and clean environment. Moreover, a specific organization called the "Environmental Protection Organization" has been established for this purpose. This study has been conducted using the descriptive-analytical method with the aim of specifying the performance and responsibility arising from environmental damage in the Iranian legal system. Reviewing, analyzing, and evaluating the existing rules, regulations and judicial and administrative procedures, this article has evaluated and analyzed the current status, performance and duties of the Environmental Protection Organization in the Islamic Republic of Iran.

Keywords: environment, Iran's environmental laws, environmental crimes
